

تصویرهای هنری در غزل‌های عاشورایی سعید بیابانکی

کتایون حبیبی*

دکتر کبری نودهی**

چکیده

واقعه عاشورا، همواره مورد توجه نویسندگان و شاعران بوده است. پس از انقلاب اسلامی نیز شاعران به شعر عاشورایی توجه بیشتری نشان دادند. از زمره این شاعران، در دوره معاصر می‌توان «سعید بیابانکی» را نام برد. پژوهش حاضر، به بررسی، تحلیل و نقد غزل‌های عاشورایی این شاعر، از منظر تصویرهای هنری و مضمون، بر اساس کتاب «جامه‌دران» با روش توصیفی - تحلیلی پرداخته تا تصاویر و مضامین آن را بیان کند. آشنایی با شاعران برجسته عاشورایی معاصر، شناسایی غزل‌های عاشورایی شاخص پس از انقلاب و نیز بهره‌گیری از زبان تصویری برای تبیین مفاهیم عاشورایی در قالب غزل، نشان از اهمیت این پژوهش است. بررسی و مطالعه این مجموعه نشان می‌دهد که شاعر مفاهیمی چون عطش، شهادت و مظلومیت سیدالشهدا(ع) و باران وفادارش را با بهره‌گیری از عوامل تصویرساز در محور افقی به تصویر کشیده که نماد و استعاره در رأس آن است. روش مورد استفاده در این پژوهش تفصیلی تحلیلی (کتابخانه‌ای) است.

کلید واژه‌ها: تصویرگری، مضمون، غزل‌های عاشورایی، سعید بیابانکی، جامه‌دران.

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد گرگان، گرگان، ایران.

Katauon_habibi@yahoo.com

** استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد گرگان، گرگان، ایران. (نویسنده مسئول)

koobranodehi@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۹۹/۴/۳

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۰/۲۹

۱- مقدمه

واقعه عاشورا در گذر زمان، همواره مورد توجه شاعران و نویسندگان بوده و موجب برانگیختگی عواطف آنان گردیده است. از این رهگذر، شاعران نیز با سروده‌های خویش، بخشی از شعر آیینی را بوجود آوردند. یکی از شاخه‌های مهم شعر آیینی، «شعر عاشورایی» است. شعر عاشورایی در ایران پس از چند قرن و پس از پختگی زبان و ادبیات فارسی دری در قرن سوم هجری و با کاهش سخت‌گیری‌ها و رواج مکتب شیعه توسط آل بویه در قرن چهارم راه خود را در ادبیات فارسی بازکرد. (انصاری، ۱۳۸۹: ۳۰) پس از انقلاب اسلامی نیز، شعر عاشورایی به عنوان یک جریان پیشرو و محرک در ادبیات تأثیر گذار بوده و اکثر تولیدات سال‌های اخیر را به خود اختصاص داده است. در میان قالب‌های شعر انقلاب، «غزل» پرکارترین قالب محسوب می‌شود. (علایی، ۱۳۸۷: ۱۵۴) از این رو، پس از انقلاب اسلامی شاعران بسیاری آثار زیبایی را در قالب غزل خلق کردند. غزل‌های عاشورایی که در این دوره سروده شده‌اند، از نظر کمی و کیفی در تاریخ ادبیات فارسی بی‌نظیر است. از میان شاعران برجسته‌ایی که پس از انقلاب اسلامی به بیان واقعه کربلا پرداخت، می‌توان به «سعید بیابانکی» اشاره کرد. مجموعه‌ی شعری «جامه‌دران» او یکی از بهترین کتاب‌های شعر حوزه آیینی است. هدف کلی از انجام این تحقیق، ارایه پژوهشی بسامان درباره غزل‌های عاشورایی «جامه‌دران» است تا تصویرهای هنری و مضمون‌های مطرح شده در آن‌ها و نوع نگاه شاعر به این رویداد تاریخی و مذهبی از ورای گفته‌ها، شگردها و تصویرهایی همچون تشبیه، استعاره، نماد و... نقد، تحلیل و شناخته شود.

۱-۱- روش تحقیق

این گفتار با روش تفصیلی تحلیلی (کتابخانه‌ای) یعنی با مطالعه‌ی آثار و تحلیل و جمع‌بندی آن‌ها به عمل آمده است.

۱-۲- پیشینه تحقیق

موضوع عاشورا، از ابتدا مورد توجه نویسندگان و شاعران زیادی بوده است. در عصر حاضر نیز پژوهشگران همواره به آن توجه ویژه‌ای داشته و آثار خود را در قالب کتاب، پایان نامه و مقاله عرضه داشته‌اند. از میان آثاری که در زمینه شعر عاشورایی تدوین شده‌اند، می‌توان به چند اثر مهم و شاخص اشاره کرد. از جمله «شرح منظومه ظهر» (۱۳۸۶) نوشته غلامرضا کافی، که کتابی پر بار در نقد و تحلیل شعرهای عاشورایی از آغاز تا امروز است. «شکوه شعر عاشورا در زبان فارسی» (۱۳۷۹) نوشته محمد علی مجاهدی نیز از بهترین آثار پژوهشی در زمینه شعر عاشورایی است. از پژوهش‌های دیگر در این زمینه «عاشورا در آینه شعر معاصر» (۱۳۸۹) اثر نرگس انصاری است که به بررسی، نقد و تحلیل شعرهای عاشورایی فارسی و عربی پرداخته است. مقالات بسیاری نیز در این خصوص به نگارش درآمده است. از جمله مقاله «بررسی ساختاری نماد در ادبیات عاشورایی» از دکتر مرضیه محمدزاده، که به تأثیر نمادها در تقویت یا تحریف این قیام پرداخته است.

۱-۳- مبانی نظری تحقیق

شعر عاشورایی به شعری گفته می‌شود که «پیرامون قیام الهی امام حسین (ع) و اخبار منتهی بر شهادت ایشان و یارانش، توصیف شخصیت‌های عاشورایی، توصیف صحنه‌های جنگ کربلا، حوادث قبل و بعد از آن و نیز از پیوند تاریخ و تطبیق تاریخ با آن حادثه سخن می‌گوید» (کافی، ۱۳۸۶: ۳۵). شاعران نیز تحت تأثیر همین مفاهیم و آرمان‌ها و افتخارات به انعکاس شاعرانه این رخداد در آفریده‌های شعری خود پرداختند. «سعید بیابانکی» از شاعران توانمند دوره معاصر است که در عرصه شعر عاشورایی خوش درخشیده است. وی به عنوان یک شاعر صاحب سبک، سال ۱۳۷۶ با انتشار کتاب «نیمی از خورشید» شهرت یافت. بیابانکی تحصیلاتش را در سال ۱۳۷۲ در رشته مهندسی کامپیوتر در دانشگاه اصفهان به پایان رساند و در سال ۱۳۸۸ از دانشگاه اصفهان نشان درجه طلایی دریافت کرد. این نشان به کسانی داده می‌شود که در حوزه‌های علمی و فرهنگی به جایگاه شایسته‌ای در کشور رسیده باشد. وی تا به حال مدیر

روابط عمومی اداره ارشاد اصفهان، دبیر جشنواره شعر و داستان جوان سوره، عضو شورای عالی شعر صدا و سیما، عضو شورای سیاست‌گذاری جشنواره فجر و عضو شورای شعر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است و هم اکنون در حوزه هنری تهران سر دبیر سایت واحد ادبیات و مسئول انجمن شعر طنز هنری است. باید گفت که وی جوایزی را نیز دریافت کرده که از آن میان می‌توان به جایزه کتاب فصل بابت کتاب «سنگچین»، نامزد کتاب سال و برگزیده سومین جشنواره شعر فجر، اشاره کرد.^۱

«سعید بیابانکی» از شاعران عاشورایی معاصر است. پژوهش حاضر می‌کوشد تا بر پایه ترتیب غزل‌ها، به تحلیل محتوا از رهگذر تصویرهای هنری غزل‌های عاشورایی مجموعه جامه-دران بیابانکی پردازد و در این راستا به این سوالات پاسخ دهد که برجسته‌ترین مضمون‌ها، در غزل‌های عاشورایی جامه‌دران چیست؟ و دیگر آنکه، تبیین واقعه عاشورا از رهگذر تصویرهای هنری شاعر چگونه است؟

۲- بحث

۱-۲- اسب‌های بی رکاب

بیابانکی در غزل‌های عاشورایی خود به رخداد‌های کربلا می‌پردازد. وی در غزل «اسب‌های بی‌رکاب» این واقعه جانسوز را با محتوایی حماسی به تصویر می‌کشد. البته نوع نگاه و توجه وی به محتوای موضوعات مختلف به گونه‌ای است که باید آن را ویژگی خاص شاعر دانست که بی‌شک عاطفه غنی، احساسات لطیف و اندیشه پویای ایشان با تخیلات شفاف و روان، نقش عمده‌ای در توفیق غزل‌های عاشورایی او دارد:

پرده بر می‌دارد امشب آفتاب از نيزه‌ها	می‌دمد یک آسمان خورشید ناب از نيزه‌ها
می‌شناسی این همه خورشید خون‌آلود را	آه ای خورشید زخمی رخ متاب از نيزه‌ها
کهکشان است این بیابان چون که امشب می‌دمد	ماهتاب از خیمه‌ها و آفتاب از نيزه‌ها
ریگ ریگش هم گواهی می‌دهد روز حساب	کاین بیابان خورده زخم بی حساب از نيزه‌ها

۱. بیوگرافی ارایه شده، مقتبس از سایت ویکی‌پدیاست که آقای سعید بیابانکی نیز خود شخصا آن را تایید نمودند.

یال‌هایی سرخ و تن‌هایی به خون غلطیده است
 آرزوی آب هم اینجا عطش نوشیدن است
 باز هم جاری است امشب رود رود از سینه‌ها
 گرچه این جا موج موج تشنگی‌ها جاری است
 یادگار اسب‌های بی رکاب از نیزه‌ها
 خواهد آمد العطش‌ها را جواب از نیزه‌ها
 بس که می‌آید صدای آب آب از نیزه‌ها
 می‌ترواد چشمه چشمه شعر ناب از نیزه‌ها
 (بیابانکی، ۱۳۹۵: ۲۳-۲۲)

این غزل که بر وزن عروضی بلند فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن (بحر رمل مثنی) محذوف) سروده شده با ردیف اسمی «نیزه‌ها» مفهوم شهادت را بیشتر القا می‌کند. علاوه بر آن کشیدگی و امتداد هجای پایانی در کلمه ردیف، آه و ناله شاعر را در فضای شعر طنین‌انداز کرده است. درحقیقت می‌توان گفت طنین مظلومیت و حزن و اندوه ویژه‌ای که در وزن و آهنگ واژه‌ها و ترکیبات این غزل نهفته است به توفیق شاعر در بیان احساس و اندیشه‌اش کمک شایانی کرده است. عبارت کنایی «پرده برداشتن آفتاب» بر مفهوم شعر افزوده است. آفتاب با آسمان و دمیدن هماهنگی لازم را در افشا کردن حقیقت دارد.

ترکیبات «خورشید ناب»، «خورشید خون‌آلود»، «زخم بی‌حساب»، «اسب‌های بی‌رکاب» از ترکیبات بدیعی است که شاعر در تصویرسازی به‌کار برده و بار حماسی غزل را در کنار بار عاطفی به خوبی به دوش می‌کشد. «خورشید زخمی» استعاره مصرحه از امام حسین(ع) است و عبارت «رخ متاب از نیزه‌ها» یادآور نماز ظهر سید الشهداء است که در زیر بارش تیر اقامه شد و «نیزه‌ها» روایتگر عزت و بزرگواری و پایداری هستند. تشبیه بیابان به کهکشان به جهت دمیدن مهتاب و آفتاب بازگوکننده واقعه‌ای جانگداز است. فعل موجود در تصویر، «است» سهم عمده‌ای در حرکت و جنبش ایجاد شده در تصویر دارد و واژگانی چون «کهکشان»، «ماهتاب» و «آفتاب» به حرکت و پویایی تصویر شعری کمک کرده است.

«بیابان» با علاقه ذکر عام و اراده خاص مجاز از کربلا است. خون که بهترین جزء وجود آدمی است با تن تناسب دارد و با بهره‌گیری از رنگ «سرخ» که نماد خون و کشتار و فداکاری است، تصویر «شهادت» را ترسیم می‌نماید. در مصراع دوم واژه «یادگار» جاودانگی نام و یاد و فرهنگ شهیدان را می‌رساند.

مضمون «عطش» بیانگر اوج تجلی عشق و عرفان و نفوذ آن در وجود امام حسین (ع) و یاران آن حضرت است و رمزی از شوق بسیار عاشوراییان و راهی برای رسیدن به چشمهٔ عشق و معرفت حضرت حق تعالی است. تکرار واژه «عطش» هم در آهنگ و موسیقی شعر و نیز در برانگیختگی عواطف تأثیرگذار است. «رود» و «آب» نماد زندگی و حرکت و حیات مجدد و نیز حرکت انتقالی چرخهٔ حیات است که مفهوم جاودانگی شهیدان و نیز مفهوم آیه «بَلْ اَحْيَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ» (آل عمران: ۱۶۹) را دربردارد. زبان نمادین شاعر در واژه «آب» و «رود» بیانگر نگاه تیزبینانهٔ وی به تداوم جریان عاشوراست. «موج» دلالت بر استمرار و حرکت و زنده بودن دارد و بیانگر این نکته است که مبارزه علیه ظلم و ستم دایمی است و با این نگرش که «کل یوم عاشورا» قابل تحقق است. «چشمه» در اینجا نماد علم و معرفت و سرچشمگی و زایش است، همان‌طور که تراوشات ذهنی شاعران از عاشورای سال ۶۱ تا به امروز و تا قیامت تداوم دارد.

۲-۲- نیمی از خورشید

در غزل «نیمی از خورشید»، باز شاعر از واقعهٔ عاشورا سخن می‌گوید و به مظلومیت

سیدالشهدا (ع) می‌پردازد:

دشت می‌بلعید کم کم پیکر خورشید را	بر فراز نیزه می‌دیدم سرخورشید را
آسمان گوتا بشوید با گلاب اشک‌ها	گیسوان خفته در خاکستر خورشید را
بوربایی نیست در این دشت تا پنهان کند	پیکر از بوریا عریان‌تر خورشید را
چشم‌های خفته در خون شفق را وا کنید	تا ببینید کهکشان پرپر خورشید را
نیمی از خورشید در سیلاب خون افتاده بود	کاروان می‌برد نیم دیگر خورشید را
کاروان بود و گلوی زخمی زنگوله‌ها	ساربان دزدیده بود انگشتر خورشید را
آه، اشترها چه غمگین و پریشان می‌روند	بر فراز نیزه می‌بینم سرخورشید را

(همان، ۲۵-۲۴)

در این غزل بیابانکی توجه خاصی به قافیه و ردیف دارد و ردیف زیبای «خورشید را» در ایجاد فضای تصویری آکنده از مظلومیت امام حسین (ع) و یارانش کمک شایانی کرده است. کشیدگی هجای آخر که سنگینی مصیبت را نشان می‌دهد متناسب با موضوع و محتوای غزل

است. شعر، سرشار از سوگ و عاطفه و حماسه است. در تمامی ابیات، بیابانکی با بیان شاعرانه خویش تصاویر بدیع حسی و متحرک ارایه داده و هر بیت این غزل از رهگذر تصویرسازی، مضمونی از غروب عاشورا را به نمایش می‌گذارد. همچنان که بلعیدن را برای دشت، و سر و پیکر را برای خورشید متصور شده تا مضمون «بی سر بودن» بدن مقدس اباعبدالله(ع)، در گودال قتلگاه و بر نیزه کردن سر آن حضرت را بیان کند.

در مصراع «گیسوان خفته در خاکستر خورشید را» با توجه به کاربرد نمادین خاکستر که نماد بازمانده‌ی جسم است، بیان می‌کند که علی‌رغم خاموشی باعث آتش دوباره است.

شاعر از رهگذر تشبیه مضمون «پیکر از بوریا عریان‌تر خورشید را» به ژرفای رخداد عاشورا سفر می‌کند و به بازکاوی اعضای قطعه قطعه شده شهیدان کربلا می‌پردازد که در بیان بار عاطفی پیام به او کمک زیادی کرده است. تکرار واج «خ» و تکرار واژه‌های «خون» و «خورشید» بر آهنگ و موسیقی شعر تأثیر می‌گذارد و در نتیجه موجب برانگیختگی می‌شود. استفاده از تشبیه بلیغ (سیلاب خون) و استعاره (خورشید) و تصویر «گلوی زخمی زنگوله‌ها»، مفهوم فرستاده شدن سر امام(ع) به سوی کوفه و پیکر در خون غوطه‌ور آن حضرت و یاران با وفایش را در کربلا القا می‌کند که این تصاویر در بیان بار عاطفی پیام کمک شایانی کرده است. بیابانکی با رعایت تناسب واژه‌های «کاروان»، «زنگوله» و «ساربان» که موسیقی معنوی زیبایی ایجاد کرده و تناسب میان «ساربان» و «انگشتر» و با استفاده از صنعت تلمیح، دزدیده شدن انگشتری حضرت را بسیار هنرمندانه توصیف می‌کند. تصویر متحرک راه رفتن شتران غمگین نیز حاکی از حزنی است که تمام عالم را فراگرفته است.

۲-۳- عصر عاشورا

در غزل «عصر عاشورا» که به وزن عروضی مفعول فاعلات، مفاعیل فاعلن (بحر مضارع اخبرب مکفوف محذوف) سروده شده، شاعر توجه خاصی به نماد دارد و با این شگرد هنری تصویرهای زیبایی خلق کرده است. در تصویر وی «شن» و «باد» و «غبار» مفاهیم نمادین دارند. باد نماد خیزش، حرکت و انقلاب به‌ویژه سمبل قیام عاشوراست و نمودار شدن «باد» و «غبار»

نوید عشق و انقلاب و دگرگونی هستی پس از واقعه است. تصویری که بیابانکی از موضوع ارائه داده به علت تماس مستقیم او با طبیعت پویاست و حیات و حرکت نمود دارد. از سوی دیگر این عناصر طبیعی در شعر، لحن و بیان حماسی را به میزان قابل توجهی افزایش داده است:

شن بود و باد، قافله بود و غبار بود آن سوی دشت، حادثه چشم انتظار بود

(همان، ۲۶)

در بیت زیر واکنش «خورشید» به وقایع کربلا تصویر تائر برانگیزی است و برای نشان دادن حزن و اندوه از رنگ «نیلی» به صورت نمادین بهره برده است. علاوه بر این، مصراع دوم بیت، تضمینی از ترکیب دوازده‌بندی ماندگار محتشم کاشانی است که شاعر با استفاده از این صنعت هم تنوع ایجاد کرده است و هم آگاهی خود را از آثار دیگر نشان می‌دهد:

فرصت نداشت جامه نیلی به تن کند خورشید، سر برهنه لب کوهسار بود^۱

(همان)

بیابانکی «نزول فرشتگان» را در این غزل احساس کرده است و در تعبیری عرفانی تداوم راه شهدای کربلا را همچون «ستاره‌ای دنباله‌دار» می‌داند:

گویی به پیشواز نزول فرشته‌ها صحرا پر از ستاره دنباله‌دار بود

(همان)

بیت زیر بازگو کننده این مطلب است که عاشورا پیامد تنها گذاشتن حضرت اباعبدالله (ع) است. امامی که منتسب به خاندان رسول خداست و در مصراع دوم با به‌کاربردن واژه «نخل» برای شخصیت امام (ع) از مقاومت و پایداری ستودنی ایشان سخن می‌گوید:

می‌سوخت در کویر، عطشناک و روزه دار نخلی که از رسول خدا یادگار بود

(همان، ۲۷)

نکته‌ای که در این غزل بیش از هر چیز دیگری جلوه می‌کند این است که قیام حضرت، مایه حیات دین و سنت اسلامی گردید. تناسب بین فصل «بهار» و «نخل» در القای این مفهوم

۱. روزی که شد به نیزه سرآن بزرگوار

خورشید سر برهنه برآمد زکوهسار

محتشم کاشانی

به کمک شاعر آمده، به‌ویژه تصویر «بهار» که تصویری پویاست و با حرکت و جنبش و زندگی همراه است:

نخلی که از میان هزاران هزار فصل شیواترین مقدمه نوبهار بود
(همان)

در بیت زیر ترکیب «نخل شقایق تبار عشق» استعاره مصرحه از اباعبدالله(ع) است که به تندیس مانند شده، سپس این واژه با قید وصف «واژگون شده» مقید شده که بر مفهوم شعر - افزوده و «تندیس واژگون شده» از ترکیبات بدیعی است که شاعر به‌کار می‌برد. ضمن آنکه آمدن اسب بی‌سوار امام حسین(ع)، (ذوالجناح) را در غم و غباری عجیب با زین واژگونش به تصویر می‌کشد:

شن بود و باد، نخل شقایق تبار عشق تندیس واژگون شده‌ای در غبار بود
(همان)

ارتباط گویای تصاویر کوتاه شعری در این غزل، آهنگ و موسیقی درونی واژه‌ها سبب شده تا شاعر به رسالت واقعی شعر خود که بیان محتوای حماسی و در عین حال عارفانه آن است، دست یابد.

۲-۴- سپیدار

در غزل «سپیدار» با ردیف «بر می‌خیزد» شعر حماسی خلق شده که این چنین آغاز می‌شود:

عشق هر روز به تکرار تو بر می‌خیزد اشک هر صبح به دیدار تو بر می‌خیزد

(همان، ۲۸)

از اجزای سازنده تصویر در این شعر، وجود فعل «بر می‌خیزد» است که ادامه حرکت را در زمان گسترش می‌دهد و تصویرها را پیش چشم، زنده نگه می‌دارد، زیرا فعل مضارع، یک طرف آن در زمان حال جاری است و با حرکت و سیر طبیعی و تداوم همراه است. پیوند «عشق» و «اشک» و تأثیر آن در جاودانگی امام و یاد امام حسین(ع) تعبیر زیبایی است که شاعر به‌کار برده است و واژه «تکرار» تکرار حماسه عاشورا را تداعی می‌کند. سود جستن شاعر از صنعت

التفات و ترکیبات زیبا، برای تصویرسازی حرکت و پویایی و اندوه در این بیت به خوبی آشکار است:

شعر می‌خوانم و یک دشت غم و آهن وآه از گلوی تر نیزار تو بر می‌خیزد

(همان، ۲۹)

شاعر تصویری از باران متواتر نیزه‌ها بر «گلوی» حضرت ترسیم می‌نماید تا به عظمت وجه حماسی واقعه عاشورا، هم طراز با عظمت وجه سوگمندانه آن پی ببریم. برای بیان ایثار و فداکاری علم دار سپاه امام حسین(ع) از رهگذر استعاره مکنیه به جاندارانگاری پرداخته و «فرات» را از معنی اصلی خود خارج و به آن هویت انسانی بخشیده است:

مگر آن دست چه بخشیده به آغوش فرات که از آن بوی علمدار تو بر می‌خیزد

(همان)

و بدین سان تکرار حماسه عاشورا را با به‌کارگیری عناصر طبیعی چون «باغ»، «بهار» و «سپیدار» که نماد حرکت و پویایی و حیات دوباره است را زیبا بیان نموده است:

پاس می‌دارم ای باغ که هر روز بهار به تماشای سپیدار تو بر می‌خیزد

(همان)

تکرار مصراع «عشق هر روز به تکرار تو برمی‌خیزد» در اولین و آخرین بیت غزل آرایه تصدیر را پدید آورده که کاربرد این شگرد هم سبب زیبایی و گوش‌نوازی، و هم بر موسیقی درونی شعر افزوده و تأثیر سخن را بیشتر ساخته است. استفاده از آرایه تکرار در واژه «تکرار» و ترکیب «تکرار غم» در بیت زیر یادآور مصیبت‌بار بودن واقعه کربلا و غم جان‌سوزی است که تا همیشه تاریخ بردل نشسته است و بیانگر این نکته است که با گذشت چهارده قرن از واقعه کربلا عشق به آن حضرت در وجود شاعر نه تنها به خاموشی نگراییده بلکه روزبه‌روز تکرار می‌شود. مطلب آخر آن که باید گفت اوج احساس و عاطفه و عشق و احترام به حضرت در این غزل دیده می‌شود. آن‌جا که شاعر با بیانی شاعرانه به غم و اندوه خود اشاره می‌کند که:

کیستم من که به تکرار غمت بنشینم عشق هر روز به تکرار تو بر می‌خیزد
(همان)

۲-۵- ای گنج نوشدارو

در غزل «ای گنج نوشدارو»، هماهنگی بین وزن و محتوا از نکات قابل توجه است. غزیرا انتخاب وزن دوری مفعول فاعلاتن مفعول فاعلاتن (بجر مضارع مثنیٰ اُخرب) ضمن آن که با مضمون والای عرفانی و معنوی «شهادت» که شاعر قصد بیان آن را دارد، هماهنگی تنگاتنگ دارد و سبب غنای بیشتر موسیقی و آهنگ شعر نیز شده است:

خورشید در تنور است، مهتاب در عماری	ای آسمان بی‌یار، بنشین به سوگواری
از دست عشق رفتند، آب‌آوران بی‌دست	افسوس بر نیامد دستی برای یاری
این‌لف‌ونشر یک‌دست کار بزرگ عشق است	— لیلیا و بی‌قراری مجنون و نی سواری —
باور نمی‌کنم تیغ این شعر را سروده است:	— دستی ستاره باران دشتی بنفشه‌کاری —
عمری است چون سپیدار از ناخن آن یار	مانده است بر تن من زخمی به یادگاری:
«ای گنج نوشدارو برخسندگان نظرکن	مرهم به دست و مارا مجروح می‌گذاری» ^۱

(همان، ۳۱)

در تمامی ابیات این غزل، صورت‌های خیال زیبا و بدیعی را می‌یابیم. شاعر در بیت مطلع با بهره‌گیری از واژگان نجومی چون «خورشید»، «مهتاب» و «آسمان» که نوعی براءت استهلال یا فضاسازی در شعر است، حرکت آسمانی و معنوی عروج سیدالشهدا(ع) و نیز بی‌قراری حضرت زینب(س) را به تصویر می‌کشد و با واژگانی که مربوط به عالم ناسوتی (خاکی) می‌شود. همچون «تنور»، «عماری» و «سوگواری»، مظلومیت امام حسین(ع) را مطرح می‌نماید. استفاده از صنعت استخدام در بیت دوم بر زیبایی شعر افزوده است، شاعر اسطوره‌ی عرب «لیلی» و «مجنون» را برای لطافت عرفانی شعر خود به یاری طلبیده و با به‌کاربردن تعبیرهای ابتکاری و نوینی چون «لیلا و بی‌قراری»، «دستی ستاره‌باران» و «دشتی بنفشه‌کاری» بر بار نمادین شعر افزوده و تصاویر زیبایی را ارائه داده است. در بیت پایانی غزل، تضمین ناب و

۱. سعدی

برجسته‌ای از غزلیات سعدی در مضمون غم و اندوه اتفاق افتاده است که زیبایی خاصی به شعر داده است.

۲-۶- عصر عاشورا

مضمون «عطش و تشنگی» در غزل «عصر عاشورا» اگرچه تکراری است غاما بیابانکی آن را به نوعی دیگر در این شعر به کار گرفته که قابل ذکر است. وی برای آن که مخاطب را متوجه عمق فاجعه عاشورا سازد از صنعت التفات سود می‌جوید. افزون بر آن، از رهگذر واژه‌ی «لب» تشنگی را نیز به تصویر می‌کشد:

لبانمان همه خشکند و چشم‌ها چه ترند درون سینه من شعرها چه شعله‌ورند

(همان، ۳۲)

ترکیب «سبوی عطش» که نوشاندن عطش از سبو را القا می‌کند، مفهوم متناقض‌نمایی است که برخاسته از قوه‌ی تخیل خلاق شاعر است و تعبیر کنایی «چشم به‌در بودن» که شوق رسیدن به حقیقت را نشان می‌دهد، تصویرهای کوتاهی است که در بیت زیر به چشم می‌خورد:

نیامد آن که سبویی عطش بنوشدمان هزارسال گذشته است و چشم‌ها به‌درند

(همان)

شاعر برای نشان دادن نقش پررنگ حضرت ابوالفضل(ع) در حادثه عاشورا از تجاهل العارف کمک می‌گیرد و ترکیباتی چون «خیمه‌های عطش سوز» و «تشنه‌خبر» که عرفان حماسی را تبیین می‌کنند، در این شعر چشمگیر و تشخیص در ترکیب «خیمه‌های عطش سوز» قابل توجه است:

چه رفته بر سر آن دست‌های آب‌آور که خیمه‌های عطش سوز، تشنه‌خبرند

(همان)

در بیت زیر «سران» استعاره مصرحه از شهیدان کربلاست، بین «سران»، «سرگردان» و «سر»، نوعی جناس زاید است و واج آرایبی حرف «س» بر زیبایی بیت افزوده است:

کجایی‌اند مگر این سران سرگردان که از تمام شهیدان روزگار سرند

(همان، ۳۳)

در ابیات:

فراز نی دولبت را به سوختن واکن که شاعران به مضامین ناب‌تشنه‌ترند
به حیرت‌اند زمین و زمان که بر سر نی شرر فشاندی و نیزارها پراز شکرند

(همان)

بیابانکی، اشاره لطیف به سخن گفتن سر امام حسین(ع) بر بالای نی دارد^۱ و در مصراع بعد تصویری از غلبه عاطفه حماسی بر عاطفه رئایی ترسیم می‌کند که حالت تهییج‌کنندگی را می‌رساند و در بیت بعد نیز از رهگذر مجاز محلیه تاکید دارد که همه متحیرند که سیدالشهدا(ع) بر فراز نی با شکرفشانی شرر می‌فشاند.

در بیت:

نخوانده‌اند مگر حج ناتمام ترا که حاجیان به حج رفته بازهم حج‌رند

(همان)

«حج ناتمام» امام را با واژه‌آرایی زیبا بیان کرده و در بیت بعد واژه‌های «تسلا»، «عزاخانه» و «ناله» متناسب با حال و هوای مضمون مطرح شده از سوی شاعر است:

شبی بی‌با به تسلائی این عزاخانه که ناله‌های غریبانه بی تو بی اثرند

(همان)

اوج علو مقام ابا عبدالله(ع) در بیت مقطع این غزل به نمایش گذاشته می‌شود که:

تو در میان غزل‌های ما نمی‌گنجی مفصلی‌تو و این بیت‌ها چه مختصرند

(همان)

۱. درباره سخن گفتن و یا قرآن خواندن ابا عبدالله(ع) چندنظر و روایت وجود دارد: در روایتی از زیدبن ارقم آمده است که سر مبارک حضرت را بر نیزه در کوفه در حال خواندن آیات قرآن دیدم: «ام حسب ان اصحب الکهف و الرقیم کانوا من آیتنا عجا، آیا گمان کردی اصحاب کهف و رقیم از آیات عجیب ما بودند؟» (حسینخانی، ۱۳۷۸: ۴۶۴). دکتر سنگری در کتاب «آینه در کربلا است» می‌نویسد: آخرین زمزمه‌های امام را این جملات نوشته‌اند: الهی صبراً علی قضائک و بلائک، یا رب لا معبود سواک یا غیاث المستغیثین: خدایا بر قضا و آزمون تو صبوری می‌ورزم جز تو معبودی نیست. ای فریادرس و فریادرسان. (سنگری، ۱۳۸۹: ۴۷۱).

۷-۲- نی سواران

در غزل «نی سواران»، شاعر ما را با رویکرد اسطوره‌ای و عرفانی از واقعه کربلا روبرو می‌کند. بیان جنبه عاطفی یا زمینه معنوی شعر، با تصویرهایی که در آن ارایه شده هماهنگی خاصی را ایجاد می‌کند. سه بیت اول شعر از زبان شاعر و خطاب به نوحه‌خوانان است که از این طریق تابلویی از عزاداری در شب عاشورا به نمایش می‌گذارد:

نوحه سازان امشب را نینوا خوانی کنید اندکی ما را بگریانید و بارانی کنید
امشب ما بلکه طولانی شود خورشید را دست بسته پشت کوه قاف زندانی کنید
تهمت خاموشی و دم سردی ما تا به چند با چراغ زخم‌ها ما را چراغانی کنید
(همان، ۳۴)

از «کوه قاف» که نمادی است برای رسیدن به هدف که طولانی شدن شب عاشورا است، بهره می‌گیرد. ترکیب وصفی «دست بسته» و تناسب آن با «زندانی» این مفهوم را بیشتر نشان می‌دهد. تشبیه «زخم‌ها»ی امام(ع) به «چراغ‌های پر نور و درخشان، بیانگر هدایتگری ابا عبدالله(ع) در مسیر بیداربخشی بشریت است و یادآور حدیث پیامبر(ص) است که می‌فرماید: «ان الحسین مصباح الهدی و سفینه النجاه».

در سه بیت بعدی شاعر تصویری از صحبت‌های اسیران کربلا با مردم شهر به نمایش می‌گذارد. «نی سواران بیابانی» استعاره از شهیدان کربلاست. ترکیب «پریشان روزها»^۱ اشاره‌ای لطیف به خطبه حضرت زینب، در خطاب به اهل کوفه است که شاعر از رهگذر این ترکیب بدیع، ضمن این‌که تصویری از گریه‌زاری مردم شهر ترسیم می‌کند با آوردن عبارت «کاسه گردانی» با بیانی شاعرانه می‌گوید که این شما هستید که گداید. ترکیب «آیه‌های پرپر» و استعاره تهکمیة نهفته در «ای مسلمانان» نیز، اشاره به بی‌حرمتی یزیدیان نسبت به خاندان رسول خدا(ص) دارد:

۱. خطبه حضرت زینب: «ای اهل کوفه، ای اهل خدیجه و خذلان! آیا بر ما می‌گریید و ناله سر می‌دهید؟ هرگز باز نایستد اشک چشم شما و ساکن نگردد ناله شما... از پس آن که کشتید بر ما می‌گریید. سوگند به خدا که شما به گریستن سزاوارید، پس بسیار بگریید و کم بخندید، چه آنکه ساحت خود را به عیب و عار ابدی آرایش دادید که لوث آن بی هیچ آبی هرگز شسته نگردد...» (قمی، ۱۳۸۶: ۵۳۶).

این چنین حیران به ما محمل نشینان منگرید
 یادی از آن نی سواران بیابانی کنید
 کاسه‌هاتان پرشدند از سکه‌های اشک و آه
 ای پریشان روزهاکم کاسه‌گردانی کنید
 ما همین محمل نشینان آیه‌های پرپریم
 ای مسلمانان کمی با ما مسلمانی کنید
 (همان، ۳۵)

تلمیح به عمان سامانی، شاعر صوفی مسلک، بیانگر رویکرد عرفانی شاعر است و نشانگر آن است که دیگر نوحه‌خوانان و عزاداران معمولی نیستند غبلکه تصویری از نمادهای تاریخی است که از رهگذر واج آرای «س» برجسته‌سازی شده است:

سینه‌های ما سراسری سروسامانی است
 خلوت ما را پر از عمان سامانی کنید
 (همان)

۸-۲- شمس‌الشموس

در غزل «شمس‌الشموس»، شاعر از حضرت زینب(س) می‌گوید و به بردباری، مقاومت، عظمت شخصیت و سخنان کوبندهٔ ایشان می‌پردازد:

همین‌که روز بر آن دشت طرحی از شب ریخت
 هزار کوه مصیبت به دوش زینب ریخت
 کنار نعلش برادر شیبیه نخل عزا
 به گاه خم شدنش آبخاری از شب ریخت
 نظاره کرد چو شمس‌الشموس بی سر را
 به گوش‌گوش فلک، ناله ناله یارب ریخت
 جهان برای همیشه سیاه شد چون شب
 ز چشم‌های ترش هر چه داشت کوب ریخت
 چه بود نیت ناآشکار ساقی غم
 که جام زینب غمدیده را لبالب ریخت
 کشاند کرب و بلا را به شام و بام فلک
 هزار بار طراوت به باغ مذهب ریخت
 زبانه‌های کلامش به جان دم سردان
 شراره‌ها شد و آتشفشانی از تب ریخت
 (همان، ۳۷ - ۳۶)

وزن نرم و جویباری مفاعلهن فاعلاتن مفاعلهن فعلن (بحر محبت مثنی مخبون محذوف) با ردیف فعلی «ریخت» در القا سوگ و غم و اندوه حضرت مؤثر بوده و آهنگ افتانی که در قافیۀ شعر است به زیبایی، متناسب با محتواست.

تشبیه بلیغ «کوه مصیبت» با وجه شبه «سنگینی» و استفاده از عدد «هزار» تصویر شعری زیبایی ایجاد کرده است. از پدیده «آبشار» به‌عنوان عنصر تصویرساز سود برده و با شمس الشموس که استعاره مصرحه از ابا عبدالله (ع) است، تصویر عینی از حضرت ترسیم کرده است. تشخیص در ترکیب «گوش فلک» برای رساندن ناله زینب (س) به رب و تکرار واژه «گوش» و «ناله» و واج‌آرایی حرف «ش» بر زیبایی شعر افزوده است.

شاعر این سوگ و اندوه را در طبیعت زنده و در سیاه شدن جهان نیز می‌یابد و البته زاویه دید جدیدی که شاعر به موضوع اشک و اندوه دارد، حاکی از نگاه مثبت او به اشک و آه است که نشانگر تعبیر عارفانه و عاشقانه‌ای از اندوه و غم است. «کوکب» استعاره مصرحه از اشک است که با شب و سیاهی تناسب دارد و این تناسب در ارتباط با محتواست.

استفاده از واژگان عرفانی چون «ساقی» و «جام»، شعر را گیرا کرده و تشبیه بلیغ ساقی غم برای بیان مضمون عارفانه، تصویر زیبایی است. تناسب بین «ساقی»، «جام»، «لبالب ریختن» و ترکیب وصفی «زینب غمدیده» موضوع را رازناک کرده است.^۱

واژه کربلا را مرکب از «کرب» و «بلا» دانسته است و در درون مایه کربلا فقط به این‌که سرزمین کربلا قربانگاه شهیدان و خاندان پیامبر (ص) است توجه کرده و برای بیان این مضمون که کربلا به واسطه زینب (س) تا شام کشیده شده تا عدالت آسمان را به گوش عاقلان برساند، تابلوی زیبایی از «هزار فصل طراوت به باغ مذهب ریخت» ارائه کرده است. «زبان‌های کلامش» با مجاز به علاقه لازمه سخنان آتشین حضرت زینب (س) و تعبیر کنایی «جان دم سردان» که مراد یزید و اطرافیان‌ش است، اشاره دارد به این‌که در کوفه، حضرت زینب (س) با سخنان

۱. رازناک بودن زندگی حضرت زینب (س) این است که وی از همان نخستین روزهای کودکی با مشکلاتی مواجه شد. به‌طوری‌که تحمل آنها برای غیر او کاری بسیار دشوار بود زیرا در خرد سالی با داغ رحلت جدش پیامبر (ص) مواجه شد. بعد از چند ماه در شهادت مادرش، زهر (س) به سوگ نشست. سپس شاهد شکافته شدن فرق پدر و شهادت ایشان بود. مدت زیادی نگذشت که در مدینه مسموم شدن برادرش امام حسن (ع) را تجربه کرد و در بقیع با او خداحافظی کرد و در نهایت به همراه امام حسین (ع) قدم در سفر کربلا گذاشت و در فاجعه‌ی کربلا در به خون غلطیدن ده‌ها تن از عزیزان خود به سوگ نشست. وی بعد از دیدن آن همه مصیبت و تحمل اسارت به مدینه برگشت و بنا به قولی بعد از حادثه‌ی قحطی در مدینه به همراه همسرش به شام کوچ کرد و در نیمه رجب سال ۶۲ قمری در همان‌جا وفات کرد و در زینبیه به خاک سپرده شد (ن. ک: پاک نیا، ۱۳۸۱: ۱۲ - ۲۲).

کوبنده خود انقلاب به پا کرد و در کاخ یزید حماسه آفرید. واژگان «شراره» و «آتشفشان» با بار حماسی در ارایه تصویر شعری، نمود خاصی دارند.

۹-۲- صبح فردا

غزل «صبح فردا»، با وزن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن (بحر رمل مثنیٰ سالم) دارای محتوای عرفانی است. «آوای کوهستانی»، آوای شهادت است، تکرار صامت «س» و لفظ «رود» تصویر عاطفی و حماسی زیبایی را خلق کرده و تکرار واژه «او» موسیقی و تأثیر شعر را بیشتر ساخته است:

کیست این آوای کوهستانی داوود با او هُرم صد هادشت با او، لطف صدها رودبا او

(همان، ۴۴)

شاعر واژه عرفانی «دریای نامحدود» را به کار می‌گیرد تا حقیقت تاریخی تشنگی را به زبان عارفانه تبیین کند و از رهگذر تشبیه تشنگی به انسان به او شخصیت بخشیده تا اشاره شاعرانه-اش تمامی آن ماجرای «ظهر قیر اندود» عاشورا را بر مخاطب خویش تداعی کند:

هر که امشب تشنگی رایک سحر طاقت بیارد می‌گدازد پا به یک دریای نامحدود با او

همراهان بار سفر بر بسته‌اند انگار و تنها تشنگی مانده است در این ظهر قیر اندود با او

(همان، ۴۵)

شاعر از رهگذر عنصر تشخیص شهادت را با رویکردی حماسی ترسیم می‌کند:

مرگ، عمری پابه‌پایش رفت سرگردان و خسته تا که زیر سایه شمشیرها آسود با او

(همان)

در بیت زیر «قصه تنهایی» و «کهکشان داغ» ترکیباتی است که نمادهای فردی امام

حسین (ع) را نشان می‌دهند:

از چه ای غم‌قصه‌ی تنهایی‌اش را می‌نگاری او که صدها کهکشان داغ مکرر بود با او

(همان)

۱. روایت است که به هنگام شهادت سید الشهدا (ع) غباری تیره و سیاه همراه بادی سرخ به آسمان بلند شد غبه گونه ایی که چیزی دیده نمی‌شد و مردم گمان می‌کردند که عذاب بر آنان نازل شده است (قمی، ۱۳۸۶: ۵۱۶).

و در آخرین بیت غزل:

صبح فردا کوهساران شاهد میلاد اویند سرخی هفتادویک خورشید خون‌آلودباو

(همان)

در مصراع اول مفهوم جاودانگی نام و یاد حضرت به چشم می‌خورد و مصراع بعد تصویری است از مقاومت یاران اندک امام که حاکی از بعد حماسی است.

۲-۱۰- سه پرده

شعر «سه پرده»، بر وزن فاعلاتن مفاعلهن (بحر مسدس مخبون محذوف) در واقع سه غزل عاشورایی است. شاعر با به‌کاربردن ردیف فعلی «درآورده است» واقعه تاریخی و چهره‌های شخصیت‌های عاشورایی را به زمان حال می‌آورد و زنده می‌پندارد. استفاده از اسلوب‌های بلاغی، خصوصاً صنعت تشخیص، استعاره، نماد و کنایه در تمامی ابیات از جمله اوصاف و امتیازات دینی شعر محسوب می‌شود. شاعر مضامین را با زبانی و بیانی ساده و در خور فهم بیان داشته است و با کلمه «باز» در بیت مطلع نشان می‌دهد که دوباره قصد دارد تا از مضامین تکراری چون سر بریده امام(ع)، شهادت طلبی، عشق به شهادت، شهادت یاران و تشنگی و عطش پرده بردارد:

طبع من باز پر درآورده است	رو به صحرای محشر آورده است
کیست این آفتاب خون‌آلود	کز پس کوه سربرآورده است
تا بسازد تغزلی خونین	خنجر آورده خنجر آورده است
تا بیاویردش به دامن دوست	دست‌های برادر آورده است

(همان، ۵۱ - ۵۰)

در بیت دوم «آفتاب خون‌آلود» کنایه از حضرت سیدالشهداست و در بیت سوم نیز، شاعر با استفاده از آرایه جناس ناقص اختلافی در دو واژه «خنجر و خنجر» موسیقی در مصراع دوم ایجاد کرده است.

پرده دوم تابلویی از رشادت‌ها و فداکاری‌های برادر و یار «اباعبدالله»(ع)، علم‌دار کربلا، حضرت ابوالفضل(ع) است که با نگاهی واقع‌گرایانه اما با بار عاطفی به نمایش گذاشته شده است:

کیست این؟ این رشادت یک دست
 این که بی او شکست قامت دین
 در میان دو رود و صد بدرود
 پیکری تشنه‌کام و زخم‌آجین
 هرچه ترجیع رفتن او تلخ
 داستان سقایتش شیرین
 (همان، ۵۳ - ۵۲)

تصویر بدرود حضرت ابوالفضل(ع) با برادر بزرگوار خویش در کنار رود فرات، در حالی که پیکر ایشان در اثر تیرباران مهاجمان، پاره پاره و «زخم آجین» شده، لحظهٔ سوگمندانه‌ای است که شاعر فراروی مخاطب قرار می‌دهد. استفاده از دو واژهٔ «تلخ» و «شیرین»، از تضادهای هنرمندانه‌ای است که موسیقی معنوی لازم را در بیت بوجود آورده است.

دراین پرده، به تناسب از امام حسین(ع) نیز سخن به میان آورده و با استعارهٔ مصرحه آنان را چون «دو سرو شکسته خونین» پنداشته سپس از رهگذر تشبیه، تصاویر شعری بدیعی خلق کرده است:

این دو دست بریده خاموش
 این دو سرو شکسته خونین
 در کنار همنند شکل قنوت
 خفته درخون و غرق در آمین
 سوره‌های شریف قرآنند
 والضحی خانه کرده در یاسین
 شاه بیت تغزلی سرخند
 این دو مصراع ناب آهنگین
 دو برادر دو یار دو عاشق
 مثل یوسف کنار بنیامین
 دو جهان دو قنوت دو ملکوت
 تشنه افتاده‌اند روی زمین
 (همان، ۵۴ - ۵۳)

در پردهٔ سوم، ترکیبات کنایی چون «پرده‌ای سرخ»، «پرده‌ای پرپر»، «پرده‌ای در میان آتش و دود»، «پرد ای در میان خاکستر»، «تیغ خشم»، «کنایه از امام حسین(ع)» «ماهتاب فراز منبر نی»، «کنایه از بر نیزه کردن سر آن حضرت» «آفتاب میان کاسه زر»، «قرآن برگ برگ شده»، «نهج-البلاغه پرپر»، «کنایه از امام حسین(ع)» «دستان دست‌چین شده» و «ساقی تشنه‌کام بی‌ساغر»، «کنایه از حضرت ابوالفضل(ع)» دیده می‌شود که برخی از این ترکیبات زیبا و بدیع است، مثل ترکیب پارادوکسی «ساقی تشنه‌کام بی‌ساغر» که شاعر این ترکیب را آن چنان هنرمندانه درکلام خویش به‌کاربرده که خالق موسیقایی معنوی بیت شده است. ضمن آن‌که تضمینی از ترجیع‌بند

معروف هاتف اصفهانی نیز در جای خود (مصراع اول بیت سوم) استفاده شده، تلمیح به سخن حضرت زینب(س) «من ندیدم به غیر زیبایی» بر زیبایی شعر افزوده است:

می‌شود باز پرده‌ای دیگر	پرده‌ای سرخ پرده‌ای پرپر
پرده‌ای در میان آتش و دود	پرده‌ای در میان خاکستر
«ای فدای تو هم دل و هم جان» ^۱	منم آن که حماسه‌ای دیگر
پرده نقل می‌زنم در شام	می‌کشم تیغ خشم مثل پدر
ماهتاب فراز منبر نی	آفتاب میان کاسه زر
آی قرآن برگ برگ شده	آی نهج البلاغه پرپر
آی دستان دستچین شده‌ام	ساقی تشنه کام بی ساغر
من ندیدم به غیر زیبایی ^۲	تو فقط خون بین و خاکستر

(همان، ۵۵ - ۵۴)

۲-۱۱- نafe

شاعر در غزل «نافه»، به وزن مفعول مفاعیل مفاعیل فعولن (بحر هزج مثنی‌اخر مکفوف محذوف) به تصاویر برخاسته از کلمات قافیه که با روح عاطفی و عرفانی غزل تطابق دارد، توجه خاصی داشته است، واژگانی چون «نجیبی»، «سیبی»، «نصیبی»، «غریبی»، «صلیبی»، «حیبی» که غزل با آنها دلنشین‌تر شده است. کلماتی چون «آهو»، «گل سب»، «گل صبرگ»، «مسیح» و «گل» استعاره‌های مصرحاً زیبایی از امام حسین(ع) است که شاعر در کنار این تصاویر، چشم‌اندازهای عارفانه را با فراز و فرود خاصی به نمایش می‌گذارد. در بیت پنجم، واژه «خط» با واژه «چلیپا» که در همین مصراع به کار رفته، متناسب است و این شگرد شاعرانه ایهام تناسب، آفریننده موسیقی معنوی است که در بیت احساس می‌شود. تلمیح به صلیب کشیده شدن حضرت مسیح(ع) در همین بیت چشمگیر است. شاعر با به‌کاربردن نماد «مسیح» در شعر خود، مفهوم مثبت و حیات دوباره و زندگی نو را به مخاطب خود منتقل می‌کند:

۱. هاتف

۲. از بیانات حضرت زینب(س) در شام

پیچیده در این دشت عجب بوی عجیبی	بوی خوشی از نافه آهوی نجیبی
یا قافله ای رد شده بارش همه گلبرگ	جامانده از آن قافله عطر گل سببی
کی لایق بوی خوشی از کوی بهشت است	جانی که از این عطر نبرده است نصیبی
این گل گل صدبرگ نه، هفتاد و دو برگ است	لب تشنه و تنهاست چه مضمون غریبی
باخط چلیپای پر از خون بنویسید	رفته است مسیحایی، بالای صلیبی
پیران همه رفتند جوانان همه رفتند	جز تشنگی انگار نمانده است حبیبی

(همان، ۶۰ - ۵۹)

تضاد بین «پیران» و «جوانان» در کنار هویت بخشی به «تشنگی» که در بیت به کار رفته، توانسته در القای مفهوم شهادت مؤثر باشد و بر زیبایی سخن بیفزاید.

۳- نتیجه

حاصل سخن آن‌که، ارادت بیابانکی به عاشورا و ابا عبدالله(ع) سبب شده تا اشعار زیبایی را در قالب غزل متجلی نماید. شاعر ضمن مطالعات وسیع در بیان مضامین عاشورایی، از سه عنصر عاطفه، عرفان و خیال برای خلق تعابیر و تصاویر تازه و القای مفهوم کلی بهره‌ فراوانی برده است. پررنگ‌ترین وجوه شعری شاعر، سوگ و عرفان است و برجسته‌ترین مضامین در غزل‌های عاشورایی جامه‌دران عبارتند از بیان ویژگی‌ها و فضیلت‌های فردی و شخصیتی امام حسین(ع)، بازکاوی تاریخی و تحلیلی عالمانه از رخداد عاشورا و تبیین نقش حماسه‌دینی در ماندگاری و جاودانگی اسلامی. مضامین مطرح شده در این غزل‌های عاشورایی مطابق حوادث تاریخی است و شاعر در پردازش آن‌ها راه نوآوری را آزموده است. تسلط شاعر به قواعد دستوری و عروضی، ساختار غزل‌های این مجموعه شعری را از آسیب عیوب ظاهری حفظ کرده و زبان سالم و صمیمی شاعر بر ارزش ظاهری آن افزوده و شعر او را زیبا، دلنشین و مؤثر کرده است. تناسب تصاویر ارائه شده، با شان حضرت ابا عبدالله(ع)، تناسب وزن و قافیه و ردیف با موضوع، القا مفهوم از رهگذر آهنگ کلمات به شکل اسم، فعل و صفت در تصویرها، استفاده از عناصر طبیعی برای القا امور انتزاعی و... شعر او را زنده و پویا نشان می‌دهد.

منابع و مأخذ

الف. کتاب

- ۱- قرآن کریم، ترجمه بهالالدین خرمشاهی، چاپ چهارم، تهران: نیلوفر و جامی، ۱۳۸۱.
- ۲- انصاری، نرگس. عاشورا در آئینه شعر معاصر (بررسی و تحلیل شعرهای عاشورایی فارسی و عربی). چاپ اول، تهران: مجتمع فرهنگی عاشورا، ۱۳۸۹.
- ۳- بیابانکی، سعید. جامه‌دران. چاپ پنجم، تهران: فصل پنجم، ۱۳۹۵.
- ۴- حسینخانی، نورالله. خورشید بر نیزه. تهران: نشرخیرالله، ۱۳۸۷.
- ۵- داودی، سعید، رستم‌نژاد، مهدی. عاشورا، ریشه‌ها، انگیزه‌ها، رویدادها و پیامدها. قم: انتشارات امام علی بن ابی‌طالب، ۱۳۸۷.
- ۶- سنگری، محمدرضا. آئینه در کربلاست. پژوهش و نگارش نو از باز شناخت نهضت عاشورا، چاپ دوم، تهران: انتشارات قربانی، ۱۳۸۹.
- ۷- شفیعی کدکنی، محمدرضا. صور خیال و شعر فارسی. چاپ نهم، تهران: آگاه، ۱۳۸۳.
- ۸- _____، _____ . شعر. چاپ نهم، تهران: آگاه، ۱۳۸۵.
- ۹- علایی، سعید. جریان‌شناسی شعر انقلاب اسلامی. چاپ اول، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۷.
- ۱۰- قمی، عباس، منتهی‌الامال، تهران: پیام عدالت، ۱۳۸۶.
- ۱۱- کافی، غلامرضا، شرح منظومه ظهر، تهران: مجتمع فرهنگی عاشورا، ۱۳۸۶.
- ۱۲- گروه حدیث پژوهشکده باقرالعلوم. مقتل امام حسین(ع)، ترجمه جواد محدثی، تهران: انتشارات بین‌الملل، ۱۳۸۷.
- ۱۳- محمدزمانی، جواد، فرهنگ‌نامه هنر و ادبیات آیینی، جلد ۷، تهران: دانشگاه آزاد، ۱۳۹۳.

ب. مقاله:

پاک‌نیا، عبدالکریم، «فرازهایی از زندگی عقیده‌ی بنی هاشم»، مبلغان، شماره ۳۱، ۱۳۸۱، صص ۱۲-۲۲.

ج. سایت اینترنتی:

بیابانکی، سعید، ۱۸ اکتبر ۲۰۱۷، سایت ویکی پدیا به نشانی:

Http://www. fa. wikipedia. org/

Art Paintings in the Ashura`s sonnets of Saeed Biabanki

Katayoun Habibi*
Kobra Nodehi Ph.D.**

Abstract

Ashura has always been the focus of writers and poets. After the Islamic Revolution poets paid more attention to Ashura poetry. Among these poets, Saeed Biabanki can be named in the contemporary era. The present study investigates, analyzes and critiques the Ashura poetry of this poet from the point of view of artistic and thematic images based on descriptive-analytic method in order to express its images and themes. Familiarity with prominent contemporary Ashura poets, identification of prominent post-revolutionary Ashura sonnets, and the use of visual language to explain the concepts of Ashura in the form of sonnets, are important in this research. The study of this collection shows that the poet portrayed the concepts of thirst, martyrdom and oppression of Sayyid al-Shohada (AS) and his loyal companions by utilizing imaginative factors on the horizontal axis, with symbol and metaphor at the top. The method used in this study is detailed analytical (library).

Keywords: Illustration, Thematic, Ashura Ghazals, Saeed Biyabanki, Jamedaran.

* PhD student in Persian Language and Literature, Islamic Azad University, Gorgan Branch, Gorgan, Iran.
Katauon_habibi@yahoo.com

** Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Islamic Azad University, Gorgan Branch, Gorgan, Iran. (Author)